

مادران تیره روز

ترجمه سدیمه

۷۴-

- گذه توپیار موشن است .
لشکر دن هر زیرم . بد از توچه خواهد
شد . فکر کن چه ها از دست خواهی
داد . زیانی خیره گفته که جوانان را
دو مقابله نوی ایونیکند از دست خواهی
داد .

اطراط این تو، فامیلت، هوانانی
که توارد دست دارد ناتوان و دلخواه
خواهند شده . ولی مردن من چنان
تائیدی سبکند زیرا جز تو و مادرم
کسی دیگر مرآ میشناسد . بروغز زیرم
برو ادرين پیش اذاین مرآ وسوسه و
اخوا سکن .
دلی دوشته زیبا صورت رنک .
بریده خود را روی سینه بل گداشته
بد .

- نه . تورا دوست دارم ولی از
تو اطاعت نیکنم اثر مایلی بردم
شواهم رفت ولی زنده شایبو بخواه
و سید بلکه جسد مرآ بشایبو خواهنه
برد .
بل چشان خودرا بست . تقریبا
حالت چنون باودست داده بود .
میداست په میکند . لبها او لبهای
زمزمه می کرد .
آدرین هر زیر . آدرین تو را
دوست دارم .
قرار گرفته لرش مضرعه سرای
دو داده را به ناز در آورد .
وششان سه شده .
بل آفرین را در حال اخمام و بیوه شو
در آفرش داشت .
تو مرآ دوست داری . تو می
خواهی بیدی .
تورا دوست دارم میخواهم با
تو چشم .

- ستار نیستی .
- تو بی برستم و از نوجانیشوم
بل چشم غصب نهاد .
- پس بیا .
- کیب میفرنده .
آدرین را در آفرش گرفته بطریق
اطاق خود برد . اورا هاند صلن
کوچکی روی نیکست فرازداده این
لطفه حتی که محبوب نکرند .
بل حارچ شد چند دقیقه بعد من اجعت
کرد .

مقیمه اور قیادی بغلان در عرض
ویخته وسط اطاق قرارداد . و اتش
زدوسی هردو در کمال سکوت درها
و بجزه هارا بستند .
کم کم اتر کاز آور اکسید
کشان خودرا بیشکت رسایده چشان
زده داخل شد .
مقیمه اور قیادی بغلان در عرض
هر کز مایل بود باو رو برو هود
خواهش نزد او را سطاق زرون
رهنماهی کنند پیچ ذیقه در کنارواک
رورون قراردادشت هنده که باز
شاید آجها ناشد . مجهقا برای
دیدن آدرین رهه خدار من چنکم
وارد کارخانه گردید مستخدمنی
تاریخ صدور این آگوی ازدیافت بر نامهای صادره از طرف کارآذارها
برای کامون های تخت یهیان آدره کل بار بریاه خودداری نموده و برای
حل کالا فقط بارنامه های رسی پیمانه ایان آدره را معتبر بشمارند
و متوجه باشند که بجهجه شاهه از نرخی که در بارنامه های رسی تعبیین
مشود و چون پیمان - ق دلایل . یا سایر هزه های بیانکاران نیابتی پردازند
هدیه کل یاریتی راه .
همه جا رفت و اتری ازیل ندید .
او بیز بدون آنکه بخواهد
ظرف شالببورفت .
شاید آجها ناشد . مجهقا برای
دیدن آدرین رهه خدار من چنکم
وارد کارخانه گردید مستخدمنی
اور اعتماد سهی .
آفرش گرفته بطریق
اطاق خود برد . اورا هاند صلن
کوچکی روی نیکست فرازداده این
لطفه حتی که محبوب نکرند .
بل حارچ شد چند دقیقه بعد من اجعت
کرد .

میخواهم تو پرس نوشت شوم من دهار
هوی . دروا باز کنم نم امیکنی .

آگهی

اداره کتابخانه و انتشارات فنی داشکده، پرشنکی و داروسازی و
دندان پرشنکی طبق معمول همه سال ناه ۱۹ خرداد یا بیان نامه داوطلبان
را می پنیرد و هشت قصالت را دعوه مینمایند و رسیده کمی به بیان نامه
هاییکه بس از آن تاریخ بکتابخانه تسليم شود به بد از تعطیلات تابستان

داشکده موکول میگردد .

۷۸-۸-۱۲ (ک.ل.ك) دیرخا داشکده پرشنکی

جله مهندسی مهندسین و کارکنان فنی در روز چهار شنبه

۱۲ اردیبهشت ساعت ۵ بد از ظهر در محل جدید سندیکا (چهارراه امیرخیز)

الدوله طبقات فوکی شیرینی فروشی نوشین) تشکیل خواهد شد از آن ۱۴ آبان

اعضاء خواهش میشود حضور پسرانه ۱۲۰-۷-۱۳ کمیسیون نشکیلات

دویست و پیش از این میلاد

